

کتیبه‌های تخت جمشید از نگاهی دیگر

فهرست

- ۳..... ارزش پارسه چیست و چرا به دنبال تحریف و تخریب هستند؟
- ۴..... شرح ادعاهای ناصر پورپیرار (نقل قول).....
- ۷..... تناقض در گفتار پورپیرار.....
- ۸..... بررسی و نقد.....
- ۱۷..... نقاشی و یادداشت‌های قدیمی از کتیبه‌های پارسه.....
- ۲۳..... سخن پایانی.....
- ۲۳..... بن‌مایه‌ها و یاری‌نامه‌ها.....



کتیبه‌های تخت جمشید از نگاهی دیگر

اثبات اصالت تاریخی و باستانی کتیبه‌های میراث جهانی پارسه (تخت جمشید)

کوروش شهرکی

برابر با روزرسانی ۸ آذر ۱۳۹۵

ارزش پارسه چیست و چرا به دنبال تحریف و تخریب هستند؟

تخت جمشید (پارسه) یکی از شاهکارهای هنر و تمدن ایرانی است که با بهره‌گیری از ذوق و استعداد ایرانی و تجربیات ملل گوناگون ساخته شده است و به راستی آرمان‌شهر ایرانیان باستان به شمار می‌رفته است.

به گونه‌ای که بسیاری از محققین آتش افروزی اسکندر در پارسه را به علت کاستن از شور مقاومت و ملی‌گرایی ایرانی در برابر سپاه متجاوز مقدونی می‌دانند چراکه پارسه شهر ملی آیینی ایرانیان، تبدیل به نمادی از مقاومت شده بود که تا آن‌نماد پابرجا بود امید به پیروزی علیه سپاه مقدونی هم بود.

اینک این خرابه‌های دل‌انگیز جلوه‌ای است از هنر و فرهنگ ایرانی است، به همین علت، کسانی که می‌خواهند با ملیت ایرانی دشمنی بورزند سعی در تحریف و تخریب هویت این نماد باستانی میکنند.

جناب آقای ناصر پورپیرار که با سناریوی جعلی بودن تاریخ و فرهنگ ایران زمین چندین جلد کتاب نوشت ، و مدعی بود که یهودیان برای ایران تاریخ جعل کرده اند در یکی از نوشتارهای خویش کتیبه‌های تخت جمشید را جعلی و نو ساخته توسط باستان‌شناسان غربی توصیف میکند.

شاید پرداختن به پاسخ گویی چنین سخنانی کمی عجیب به نظر برسد اما از آنجایی که ممکن است برخی خوانندگان این مطالب به نادرستی ادعا‌های جناب پورپیرار آشنا نباشند در این نوشتار به بررسی و پاسخ ادعا‌هایی که در مورد اصالت کتیبه‌های تخت جمشید شده است می‌پردازیم، اسناد و مدارک را مرور میکنیم و نشان خواهیم داد کسانی که مدعی جعلی بودن کتیبه‌های تخت جمشید هستند خود به دروغ و فریب روی آورده بودند.

از این رو ابتدا شرح ادعا‌ها و دلایل آقای پورپیرار را می‌آوریم و سپس به بررسی و نقد آن‌ها می‌پردازیم.

شرح ادعا‌های ناصر پورپیرار (نقل قول)



دروازه ملل ورودی شرقی (پورپیرار ۲۵ مرداد ماه ۱۳۸۹)

این تصویر، که آقای پور ترک به مجموعه عکس‌های تاریخی کاخ گلستان متعلق می‌دانند، بی تردید از نخستین عکس‌هایی است که موقعیت اسفنج‌های خروجی رو به شرق دروازه ملل را نشان می‌دهد. این عکس بدون مجامله مربوط به زمانی است که هنوز کم‌ترین دخالتی در محوطه تخت جمشید صورت نگرفته و راهروی گذر خروجی شرقی و ورودی

غربی دروازه، تقریباً به ارتفاع دو متر، در زیر آوار زمانه و جریان مداوم باد و غبار و خاشاک مدفون بوده است.

قصد من توجه دادن به محیط سنگی فراز بال اسفنجس شمالی است... در این جا کاملاً مشهود است که فراز بال اسفنجس، ردی از نوشته پیدا نیست (پورپیرار، ۱۳۸۹).



دروازه ملل ورودی شرقی (پورپیرار، ۱۳۸۹)

WWW.KHERADGAN.IR

و تصویر بالا هم که چند دهه از عکس قبل جوان تر است و از جلد اول کتاب تخت جمشید اشمیت برداشته‌ام، باز هم از کم‌ترین اقدامات مرمت نشانی ندارد، راهروی عبور همچنان بر اثر عوارض زمان، زیر خاک پنهان است و گرچه تمهیداتی برای صیقل دادن بلوک‌های سنگی صورت گرفته ولی سنگ‌های دیواره در قسمت بالای بال اسفنجس هنوز هیچ اثری از کتیبه بر خود ندارد (پورپیرار، ۱۳۸۹).



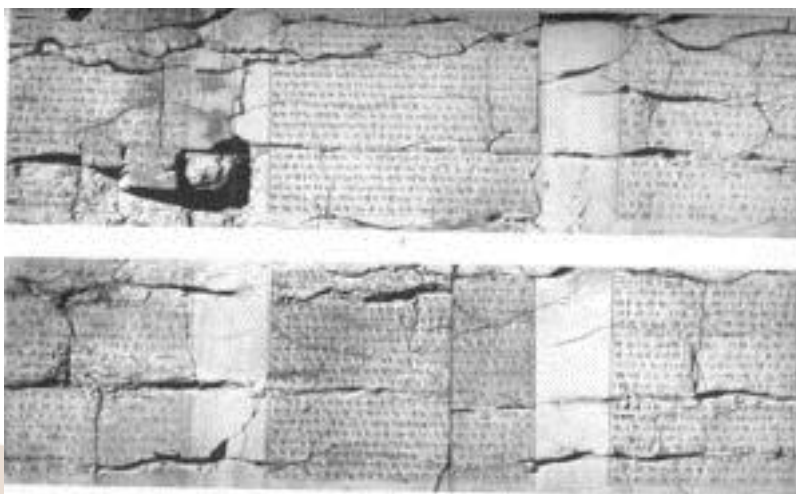
دروازه ملل ورودی شرقی (پورپیرار، ۱۳۸۹)

زبان این عکس باید که سرسخت‌ترین باستان پرستان و عالی‌مقام‌ترین فرزندان کورش و داریوش را با حقیقت آشتی دهد. زیرا که عکس را پس از خاک برداری‌های نخستین از دروازه برداشته‌اند، راهروی عبور باز است و مشغول نظیف‌کاری‌های بیش‌ترند و گرچه زاویه دید دوربین کاملاً نرمال است و بر روی دیواره فراز بال اسفنجس متمرکز نیست، اما نقش ۳ کتیبه به وضوح دیده می‌شود. این حکایتی است که با زبان انسانی می‌گوید کتیبه‌ها را گروه مرمت کار وارد شده بر دروازه حک کرده‌اند! در تصویر بالا، بر آن سنگ‌ها که کم‌ترین علامت نوشتاری و کتیبه نبود، ناگهان با مجموعه‌ای از مکتوبات برمی‌خوریم. اگر این نوشتارها بر سنگ بالا کاملاً قابل دیدار است، پس از جماعت باستان پرست بپرسیم چرا آماده‌سازی این کتیبه‌ها با ورود مرمت‌کاران به تخت جمشید همزمان است؟!

حالا با یقین تمام اعلام می‌کنم که تمام کتیبه‌های مندرج در سراسر تخت جمشید، جعل جدیدند، خردلی ارزش تاریخی ندارند، چرا که هیچ عقب‌مانده‌ای پیش از اتمام ساختمان‌هایی در دست اقدام، عجولانه انجام آن را به تاریخ گزارش نمی‌دهد (پورپیرار، ۱۳۸۹).

تناقض در گفتار پورپیرار

جناب پورپیرار در نوشتاری که آورده شد مدعی هستند که کتیبه‌های دروازه ورودی تخت جمشید جعلی و جدید هستند و خردلی ارزش تاریخی ندارند. این بسیار جالب است که قبلاً ایشان قاطعانه حرف دیگری میزدند به عنوان مثال به نقل قول زیر از جناب پورپیرار توجه کنید:



کتیبه‌های فراز دروازه ملل (پورپیرار، ۱۳۸۶)

این کتیبه خشایارشا در دروازه ورودی و نخستین علامت حضور او در اینیه تخت جمشید است. اندک تردیدی در قدمت و کهنگی آن نداریم و متن آن به روشنی گواهی می‌دهد که خشایارشا به هنگام بنای دروازه‌ی ورودی تخت جمشید، سلطان سلسله بوده است (پورپیرار، ۱۳۸۶).

بیرون از باور تبلیغاتی موجود، در تخت جمشید اثری از حضور داریوش دیده نمی‌شود و در حالی که از خشایارشا در نقاط مختلف تخت جمشید، قریب پانزده کتیبه قابل تایید می‌شناسیم، از داریوش اول هخامنشی هیچ کتیبه مسلم و قابل اثباتی، که ظن جعل بر آن نرود، نمی‌بینیم!!! (پورپیرار، همان).

عجیب است که جناب آقای پورپیرار که در گذشته «اندکی تردید در قدمت و کهنگی» کتیبه‌های دروازه ملل نداشت و حداقل ۱۵ کتیبه متعلق به خشایارشا را قابل تایید می‌خواند به یکباره در نوشتاری دیگر عنوان می‌کند که «تمام کتیبه‌های مندرج در سراسر تخت جمشید، جعل جدیدند، خردلی ارزش تاریخی

ندارند» و مصرانه تلاش می‌کند تا کتیبه‌های خشایارشا نقش بسته بر دروازه ملل را جعلی و نو کنده بنمایاند !

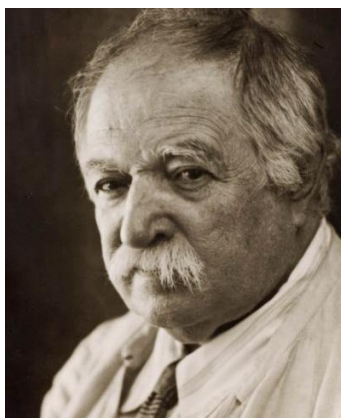
باری فرض را بر این قرار می‌دهیم که ایشان از ادعای پیشین خود برگشته و در تازه‌ترین اکتشافات خود نتایج جدیدی به دست آورده است و به بررسی این ادعای عجیب خواهیم پرداخت.

بررسی و نقد

آقای پورپیرار با آوردن یک عکس قدیمی که ادعا می‌کند از آرشیو کاخ گلستان است، مدعی است که پیش از آمدن گروه مرمت کار یا به عبارتی پیش از آمدن باستان‌شناسان خارجی و حفاری‌های آنان، در فراز بال‌های پیکره‌های نقش بسته در دروازه ملل هیچ کتیبه‌ای وجود ندارد و با توجه به عکس جدیدتر گرفته شده که آثار سه کتیبه را در خود دارد این کتیبه‌ها را جعلی و نوساخته به دست مرمتکاران و باستان‌شناسان می‌داند، و این موضوع را تعمیم به کل داده، تمامی کتیبه‌های پارسه را بی ارزش و جعلی قلمداد می‌کند.

در پاسخ باید چند مسئله را ابتدا بررسی کرد. نخست تاریخچه عکاسی از تخت جمشید است. عکاسان بسیاری در زمان قاجار از تخت جمشید دیدن کرده‌اند و عکس‌هایی گرفته‌اند از جمله این افراد می‌توان به لوییجی پشه افسر ایتالیایی، سلطان اویس میرزا، آنتوان سوروگین، خان باباالحسینی، میرزا حسن عکاس باشی اشاره کرد (طالبیان، ۱۳۹۳: صص ۳۸-۴۱).

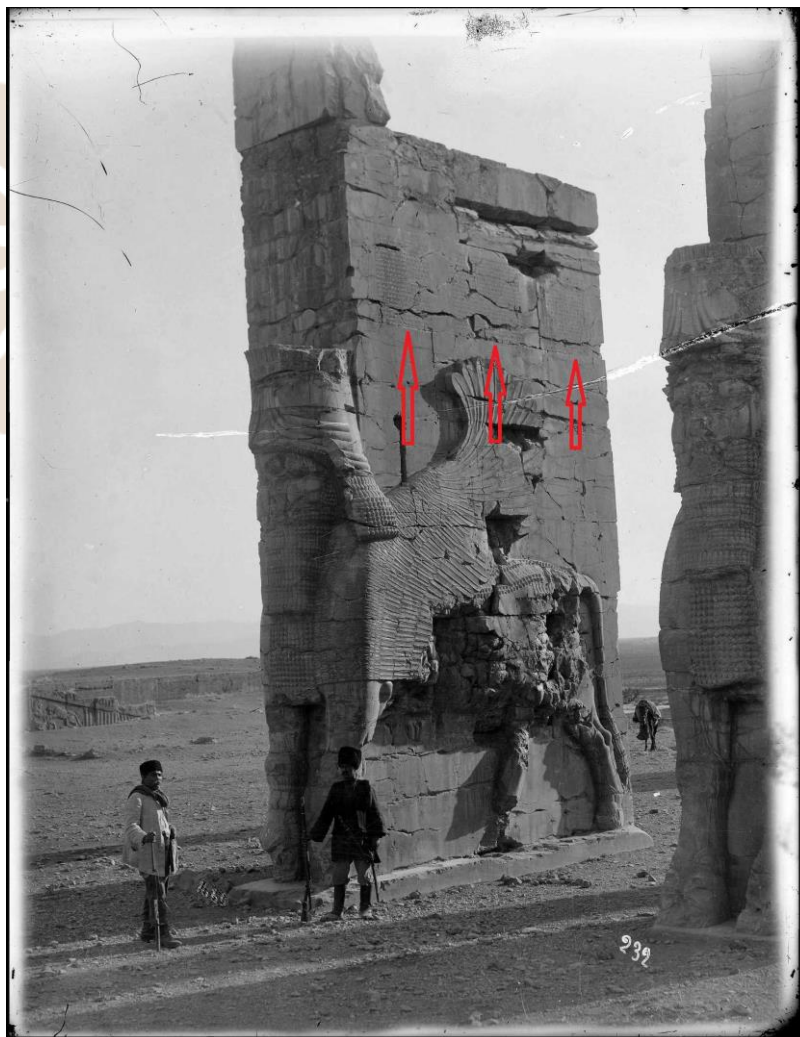
از میان این افراد آنتوان سوروگین عکاسی برجسته و موفق بود که در سفارت روسیه در تهران از پدر و مادری گرجی تبار در سال ۱۸۴۰ میلادی متولد شد. او تمام عمر خود را در ایران زندگی کرد و به عکاسی از آثار تاریخی ایران پرداخت. او همچنین عکس‌های بسیاری از شاهان قاجار گرفت. سرانجام در سال ۱۳۱۲ خورشیدی دار فانی را وداع گفته و در گورستان ارامنه دروازه دولا ب تهران به خاک سپرده می‌شود (همان: صص ۳۹-۴۰).



آنتوان سوروگین (طالبیان، ۱۳۹۳: ص ۳۹)

همانطور که در شرح ادعاهای آقای پورپیرار مشخص است او ساخته شدن کتیبه‌ها را مربوط به زمان بعد از خاک برداری از کف دروازه ملل می‌داند و بر طبق ادعای او زمان این عمل حفاری در هنگام ریاست دکتر اشمیت یا پس از آن صورت گرفته است. در نتیجه اگر فرض را بر جعلی بودن این کتیبه‌ها قرار دهیم باید قبل از زمان ریاست دکتر اشمیت (۱۳۱۴ خورشیدی) خبری از این کتیبه‌ها در دروازه ملل نباشد!

با توجه به اینکه دکتر اشمیت حفاری‌ها در پارسه را در سال ۱۳۱۴ آغاز می‌نماید (تجویدی: ۱۳۵۵: ص ۱) و این تاریخ دو سال بعد از مرگ آنتوان سوروگین است (مرگ آنتوان سوروگین در ۱۳۱۲) تمام عکس‌های سوروگین مربوط به پیش از آمدن گروه‌های خارجی است و همچنین باید توجه شود بیشتر عکس‌های سوروگین مربوط به دوران قاجار می‌شود. زمانی که هیچ گروه تحقیقاتی در تخت جمشید حضور نداشت، برای بررسی صحت ادعای جناب پورپیرار نگاهی به آرشیو عکس‌های آنتوان سوروگین از تخت جمشید می‌اندازیم.



عکس آنتوان سوروگین از ورودی شرقی دروازه ملل (سایت موسسه collections search center)

این عکس از مجموعه آنتوان سوروگین انتخاب شده و یکی از بهترین عکس‌هایی است که کیفیت و وضوح و فاصله مناسب دارد و می‌توان کتیبه‌ها را بر فراز بال گاوهای دروازه شرقی مشاهده کرد (با پیکان قرمز رنگ مشخص شده‌اند) زمان عکس بنا به مشخصات درج شده بر روی عکس بین سال‌های ۱۹۰۲-۱۹۰۵ میلادی گزارش شده که برابر با سال‌های ۱۲۸۰-۱۲۸۳ خورشیدی می‌باشد، این سال‌ها مصادف با حکمرانی مظفرالدین شاه قاجار است و ۲۶ سال با ورود باستان‌شناسان خارجی به پارسه و ۳۱ سال با آغاز فعالیت‌های دکتر اشمیت فاصله دارد.

برای دید بهتر بر روی این قسمت بزرگ‌نمایی می‌کنیم:



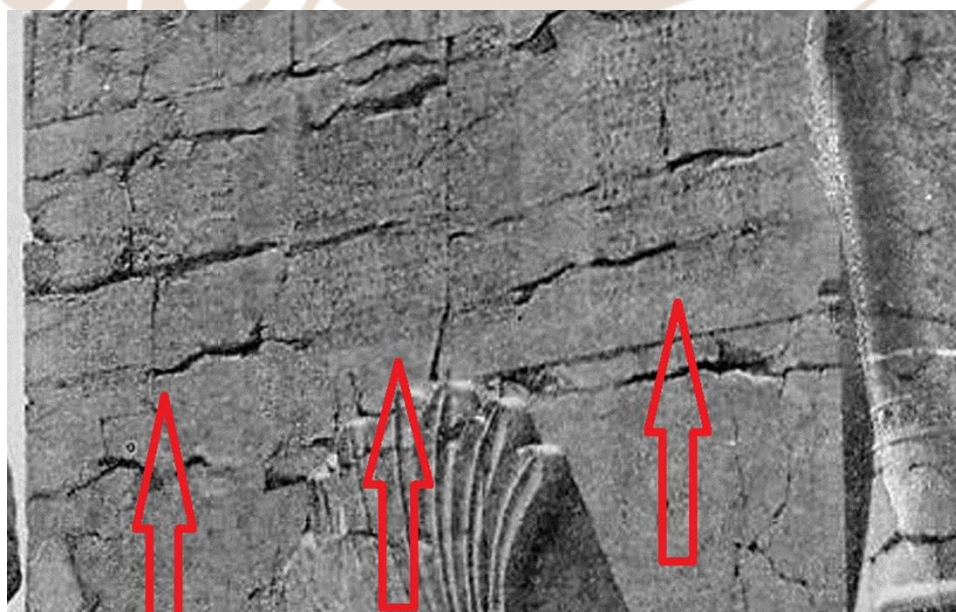
بزرگ‌نمایی عکس آنتوان سوروگین از ورودی شرقی دروازه ملل، ۱۲۸۰-۱۲۸۳ بیست و شش سال پیش از ورود باستان‌شناسان خارجی به پارسه (سایت [collections search center](http://collections.search-center.org))

در دیگر عکس‌های آقای سوروگین نیز کتیبه‌ها دیده می‌شوند اما به علت فاصله دور و کیفیت کم عکس باید کمی بیشتر دقت کرد. به عکس‌های زیر بنگرید:



عکس آنتوان سوروگین از ورودی شرقی دروازه ملل، ۱۲۸۰-۱۲۸۳ بیست و شش سال پیش از ورود باستان شناسان خارجی
به پارسه (سایت موسسه [collections search center](#))

بزرگ نمایی:



بزرگ نمایی عکس آنتوان سوروگین از ورودی شرقی دروازه ملل، ۱۲۸۰-۱۲۸۳ بیست و شش سال پیش از ورود باستان
شناسان خارجی به پارسه (سایت موسسه [collections search center](#))

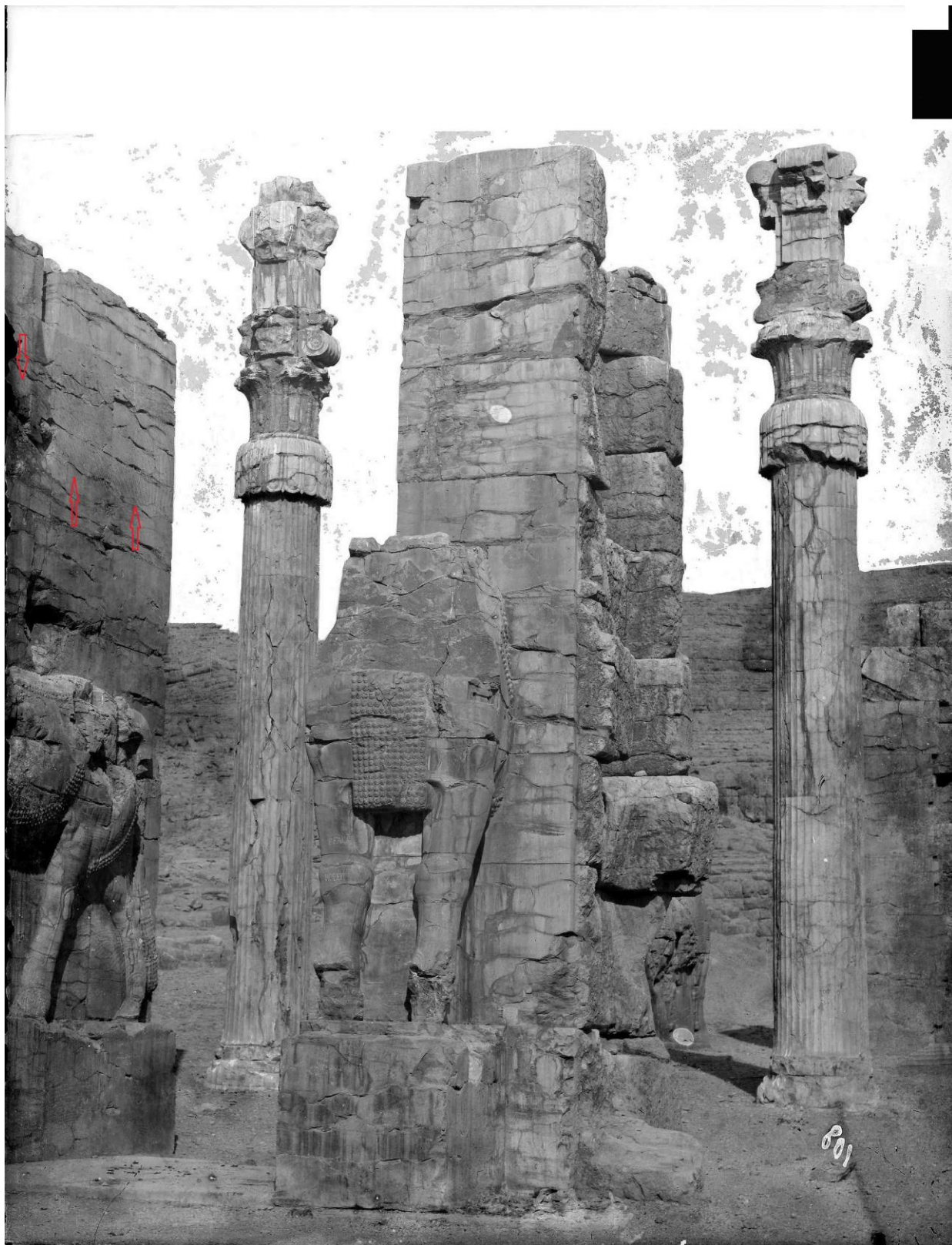


عکس آنتوان سوروگین از ورودی شرقی دروازه ملل، ۱۲۸۰-۱۲۸۳ بیست و شش سال پیش از ورود باستان شناسان خارجی
به پارسه (سایت موسسه [collections search center](#))

بزرگ نمایی:

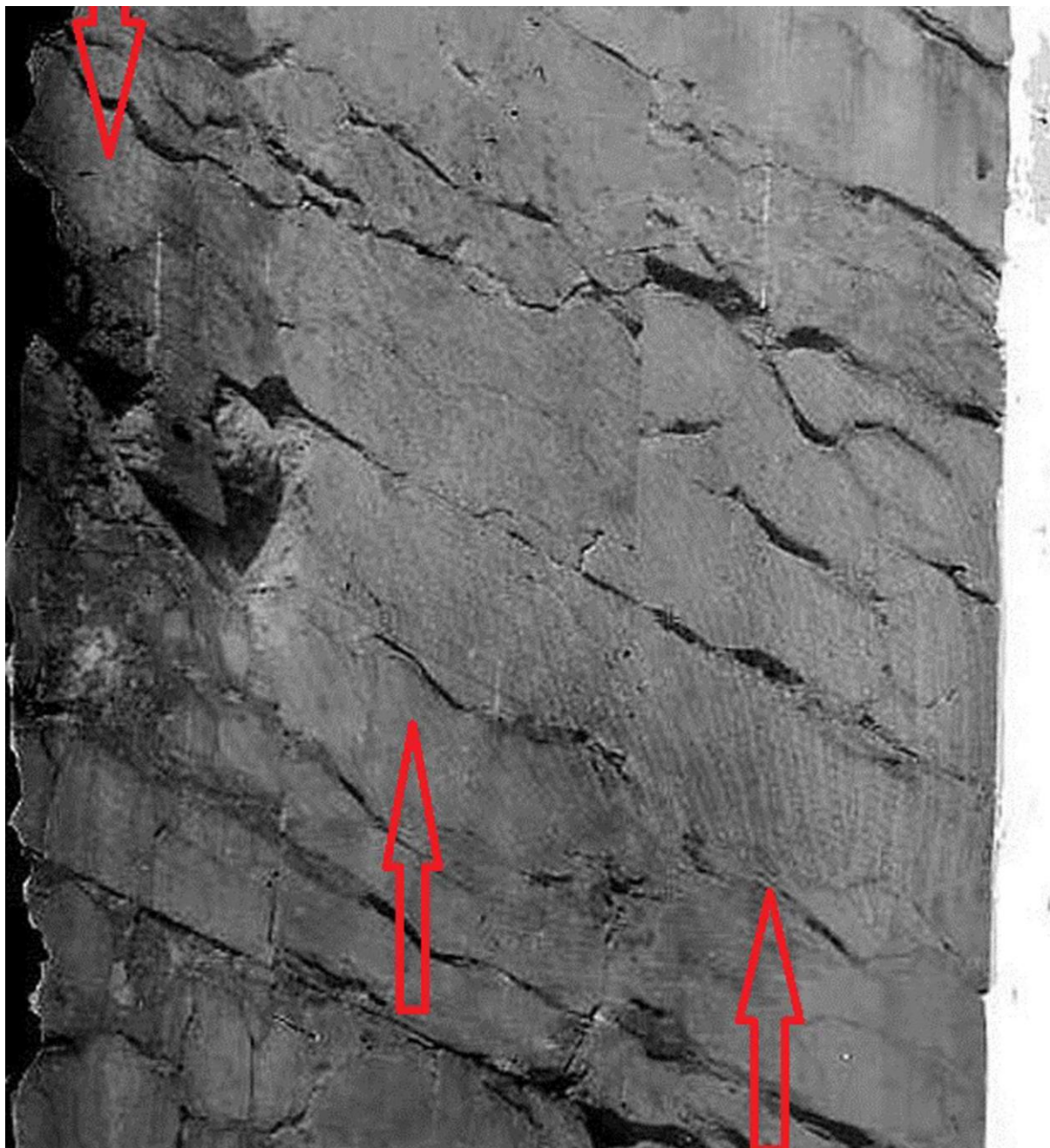


بزرگ نمایی عکس آنتوان سوروگین از ورودی غربی دروازه ملل، ۱۲۸۰-۱۲۸۳ بیست و شش سال پیش از ورود باستان شناسان خارجی به پارسه (سایت موسسه [collections search center](http://collections.search.center))



عکس آنتوان سوروگین از ورودی غربی دروازه ملل، ۱۲۸۰-۱۲۸۳ بیست و شش سال پیش از ورود باستان شناسان خارجی به پارسه (سایت موسسه [collections search center](http://collections.search.center))

بزرگ نمایی:



بزرگ نمایی عکس آنتوان سوروگین از ورودی غربی دروازه ملل، ۱۲۸۰-۱۲۸۳ بیست و شش سال پیش از ورود باستان شناسان خارجی به پارسه (سایت موسسه [collections search center](http://collections.search.center))

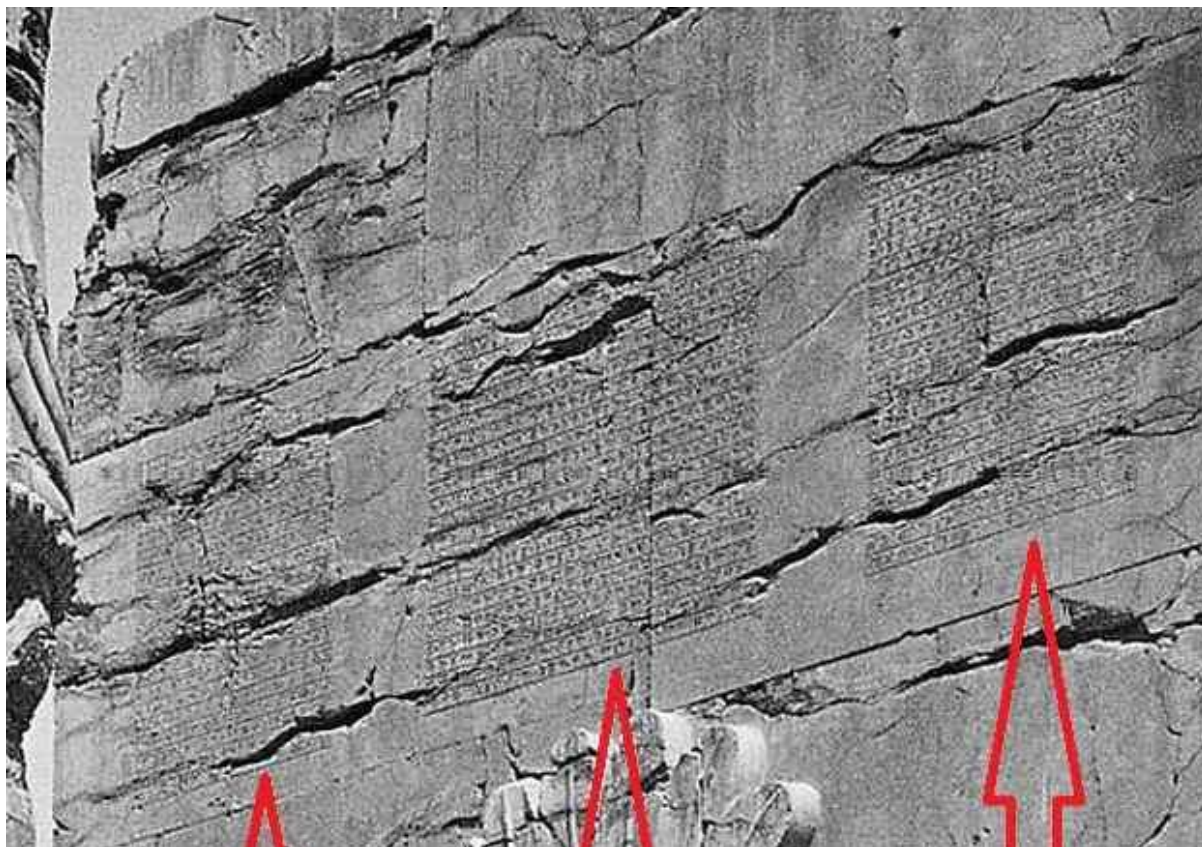
این کتیبه‌ها در عکس‌های دکتر هرتسفلد اولین باستان شناس مجموعه پارسه هم دیده می‌شود. بر اساس ادعاهای جناب پورپیرار کتیبه‌ها پس از خاکبرداری پای دروازه ملل در زمان دکتر اشمیت (۱۳۱۴)

حجاری شده اند، حال آنکه عکس زیر متعلق به دکتر هرتسفلد است که در بین سال های ۱۳۰۱-۱۳۰۶ از پارسه برداشت شده؛ آن هم هنگامی که هنوز خاک های پای دروازه ملل حفاری نشده است.



عکس دکتر هرتسفلد از ورودی شرقی دروازه ملل (سایت موسسه [collections search center](#))

بزرگ نمایی:



بزرگ نمایی عکس دکتر هرتسفلد از ورودی شرقی دروازه ملل (سایت موسسه collections search center)

با توجه به عکس‌های بالا اثبات می‌شود که کتیبه‌های دروازه ملل مدت‌ها پیش از ورود باستان‌شناسان خارجی و عملیات حفاری آنان در آن مکان موجود بودند و هیچگونه عمل جعلی صورت نگرفته است، در واقع پورپیرار در صدد سوء استفاده از کیفیت کم و فاصله دور برخی عکس‌های قدیمی پارسه است.

در نگاهی به این عکس‌ها باید توجه کرد که فاصله و کیفیت عکس مناسب باشد چراکه خطوط میخی بسیار کوچک‌اند.

نقاشی و یادداشت‌های قدیمی از کتیبه‌های پارسه

این فقط عکس‌ها نیستند که بر وجود کتیبه‌های دروازه ملل شهادت می‌دهند بلکه در سفرنامه برخی از اروپاییانی که به تخت جمشید سفر کرده‌اند می‌توان رد پای این کتیبه‌ها را جستجو کرد.

کارستن نیبور جهانگرد اروپایی است که در سال ۱۷۶۵ مصادف با حکومت کریم خان زند از ایران دیدن کرده است (طالبیان، ۱۳۹۵: ص ۱۷۶۵) و در سفرنامه خود شرحی از پارسه را بدین شکل ارائه می‌کند:

تمام بدن این حیوان بزرگ به طور برجسته تراشیده شده است، اما سر و پاهای جلو حیوان از دیوار فاصله گرفته و به طور کامل نشان داده شده است. سر هر دو حیوان در این دو دیوار از بین رفته است، احتمالاً در نتیجه خشونت. در عین حال از پنجه‌های باز و هیئت کلی آن‌ها بر می‌آید، که حیوانی یک شاخ و خیالی هستند، که در این خرابه‌ها به فراوانی به چشم می‌خورند. در سمت شرقی این محل دو دیوار دیگر از این نوع به چشم می‌خورد، اما حیوان خیالی این دیوارها به شکل B/هفت است. این حیوان هم چهار پا و هفت اینچ از سطح زمین بلندی دارد و فاصله پاهای جلو از پاهای عقب ۱۷ پا و شش اینچ است، سر این انسان گاو تن ایرانی را هم می‌خواسته‌اند بشکنند، اما، جز دماغ حیوان، جای دیگری آسیب ندیده است. این شکستگی در B/هفت ترمیم شده است. بالای هر کدام از چهار حیوان یادشده، در ارتفاعی بلند، سه سنگنبشته وجود دارد، که همه حروفش از خطوط مستقیمی تشکیل شده (نیبور، ۱۳۹۰: ص ۵۶).

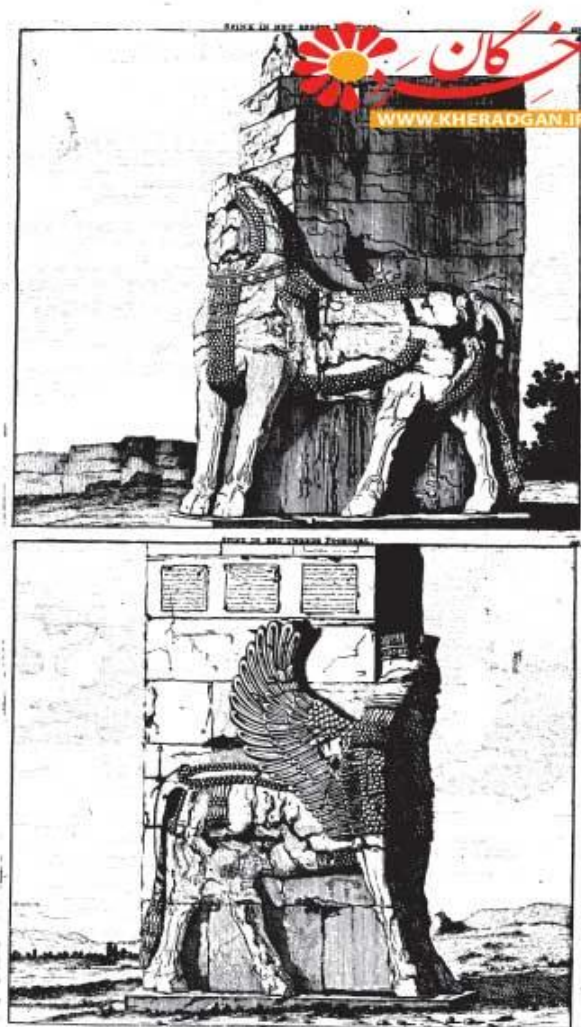
واضح است که نیبور دروازه ملل پارسه و مجسمه گاو های آن را توصیف می‌کند (نیبور، ۱۳۹۰: ص ۵۶، پا نویس دکتر پرویز رجبی) و آن را همراه با سه کتیبه در بالای هر یک از گاوها گزارش می‌نماید.

در حدود ۶۵ سال پیش از کارستن نیبور و ۲۰۰ سال قبل از ورود باستان‌شناسان آمریکایی جهانگرد اروپایی دیگری به نام «کورنلیس دبروئین» از پارسه بازدید کرده بود که بر خلاف جهانگردان پیشین، وی نقاشی چیره دست بود:

تصاویر دبروئین از تخت جمشید را می‌توان به نماها و یا منظره‌های کلی از تخت جمشید از چهار جهت اصلی شمال، جنوب، غرب و شرق و طرح‌هایی از بخش‌های مختلف کاخ‌ها تقسیم نمود. دقت و درستی کار دبروئین معلول آن است که طرح‌های او تقریبی و تخمینی نبوده بلکه تصاویری هستند که با دقت و حوصله در محل کشیده شده و با آبرنگ کامل شده‌اند (اسلامی، ۱۳۹۲: ص ۴۷)

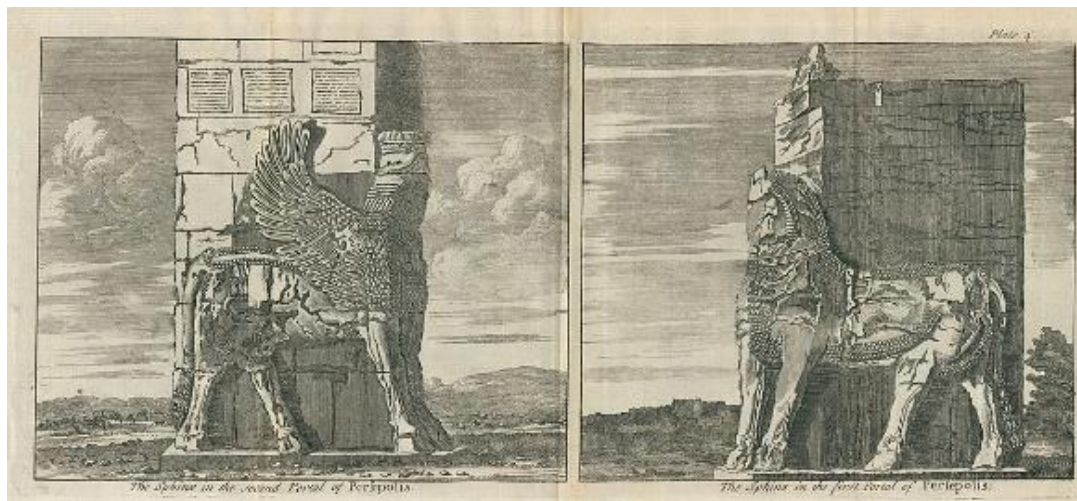
دبروئین اولین شرح مشاهدات خود را از ایران را در سال ۱۶۹۸ میلادی منتشر نمود و در سال های ۱۷۰۰ و ۱۷۰۴ میلادی ترجمه‌هایی از کتاب او در شهر پاریس به چاپ رسید. (اسلامی، ۱۳۹۲: ص ۴۶) او

طرحی از دروازه ملل در کتاب خود دارد که در این طرح کتیبه های دروازه ملل بر فراز بال گاو کاملاً مشهود هستند.



نقاشی دروازه ملل دبروئین که در کتاب سفرنامه او به سال ۱۷۱۴ چاپ شده است. (اسلامی، بهار ۱۳۹۲: ص ۴۷) و (DE Bruins, 1714: صفحه ۴۳۵ نسخه دیجیتالی)

نقاشی دبروئین در حدود سال های ۱۷۴۴/۱۷۴۵ میلادی در نشریه Universal History در اروپا نیز به چاپ رسید.



نقاشی دروازه ملل در سال ۱۷۴۵ در نشریه Universal History با کد Ref H889 به چاپ رسیده است (سایت ANCESTRY IMAGES)

این کتیبه‌ها در نقاشی جهانگرد نامدار انگلیسی «سر رابرت کرپورتر» نیز دیده می‌شود، (طالبیان، ۱۳۹۳: ص ۳۲) وی نقاشی‌هایی از تخت جمشید و دروازه ملل را در سال ۱۸۱۸ با آبرنگ کشیده است.



نقاشی دروازه ملل در سال ۱۸۱۸ اثر سر رابرت کرپورتر (سایت BRITISH LIBRARY)

اوژن فلاندن دیگر سیاح اروپایی که در سال ۱۸۴۰ به ایران می‌آید (طالبیان، ۱۳۹۳: ص ۳۳) در سفرنامه خود می‌نویسد:

دو جرز دیگر مشابه اولی‌هاست منتهی مجسمه‌ها با حیوانات پیش بسیار متفاوت‌اند، این حیوانات جسد و پاهایشان بشکل تنه و پای ورزاب است منتهی بال‌هایشان پهن و بزرگ و با سر انسانی که کلاهی مانند تاج کیانی بر سر دارند شبیه می‌باشد، صورتشان پر ریش و به پشت گردن گیسوان انبوه افتاده و تاج کیانی از اکلیل که دارای گل‌های ستاره و ساقه‌های چندپست تزئین شده و در قسمت جلو این تاج سه شاخه است.

بر بالای هر جرزی سه تابلوی کوچک است که هر یک مشتمل بر بیست سطر می‌باشد. از طرز خط میخی هر یک نمی‌شود قیاس کرد که هر سه یکی باشند» (فلاندن، ۱۳۵۶: ص ۲۹۹).

در سفرنامه اوژن فلاندن نیز این کتیبه‌ها را بر بالای مجسمه‌های دروازه ملل می‌بینیم. این در حالی است که هم فلاندن و هم نیبور دهه‌ها پیش از آمدن باستان‌شناسان اروپایی به تخت جمشید از آنجا بازدید کرده‌اند و کتیبه‌های دروازه ملل را گزارش کرده‌اند.

از دیگر کسانی که به کتیبه‌ها اشاره کرده‌اند می‌توان به مادام دیولافوآ اشاره کرد. مادام دیولافوآ و همسرش مارسل دیولافوآ که هر دو جهانگردان و محققانی فرانسوی بودند دو بار به ایران سفر کردند. بار نخست در تاریخ ۱۸۸۱ و بار دوم در تاریخ ۱۸۸۴ مصادف با ۱۲۶۳ خورشیدی و هم زمان با حکومت ناصرالدین شاه قاجار به ایران می‌آیند (دیولافوآ، ۱۳۶۱: ص ۳).

هدف آنها کشف آثار تاریخی و باستانی در شوش است و بسیاری از آثار تاریخی ایران را با خود به فرانسه می‌برند. شاید اکنون بتوان فهمید که چرا برخی از موزه‌های غربی بخش تاریخ ایران‌شان مفصل‌تر و کامل‌تر از موزه‌های خود ایران است!

اما به هر حال مادام دیولافوآ کتابی تحت عنوان «سفرنامه دیولافوآ» از خود به جای می‌گذارد که در آن سنگ‌نوشته‌های بالای دروازه ملل را اینگونه توصیف می‌کند:

این گاومیش‌ها خیالی هیکل چاق و درستی دارند ولی ساق پای آنها با مطالعه حجاری شده و درست مانند پای گاو است و دارای بال‌هایی هستند که در کمال ظرافت حجاری شده و در انتهای بال‌ها انحناى قشنگی دارند به طوری که از حیث زیبایی به مراتب بهتر از غول‌های خشن و بد ترکیب آشوری می‌باشد... در بالای بال این حیوانات سه کتیبه با سه زبان

به خط میخی وجود دارد و می‌رساند که این رواق و مدخل با عظمت از ساخته‌های
خشایارشا می‌باشد (دیولافوآ، ۱۳۶۱: ص ۳۸۴ و ص ۳۸۵).

دیولافوآ در سفرنامه خود حتی ترجمه متن کتیبه بالای دروازه ملل را ارائه می‌کند چراکه تحقیقات
بر روی متن کتیبه‌های باستانی ایران از دو قرن پیش از او یعنی از سال ۱۶۲۲ با کپی برداری پیترو دولاوله
از چند علامت سنگ‌نوشته‌ها و ارسال آنها به اروپا عملاً آغاز می‌شود و با تلاش علاقه‌مندان به تاریخ باستان
و خطوط میخی سر انجام در حدود سال ۱۸۵۷ با پیشرفت‌های چشمگیر سرهانی راوولینسن کشف رمز
می‌شود و این کتیبه‌ها پس از گذر هزاران سال قابل خواندن می‌شوند (سامی، ۱۳۹۲: صص ۲۴۸-۲۵۵).

باید توجه داشت که دیولافوآ در حالی از کتیبه‌های بالای دروازه ملل صحبت می‌کند که حدود ۴۶
سال با ورود اولین باستان‌شناسان خارجی و کاوش در پارسه فاصله دارد.

این کتیبه‌ها در نوشته‌ها و نقاشی‌های ایرانیان نیز آمده است. به طوری که فرصت الدوله شیرازی در
کتاب معروفش «آثار عجم» نقش و طرحی از دروازه ملل را در حدود سال ۱۲۷۵ هجری خورشیدی و دوران
حکومت مظفرالدین شاه قاجار کشیده است. این تاریخ نیز حدود سه دهه پیش از ورود باستان‌شناسان خارجی
به تخت جمشید است.



نقاشی دروازه ملل تخت جمشید، اثر فرصت الدوله شیرازی سال ۱۲۷۵ هجری خورشیدی ۳۰ سال پیش از ورود و حفاری
باستان‌شناسان خارجی (فرصت حسینی شیرازی، ۱۳۱۲-۱۳۱۳: نقاشی نمره ۱۹)

در نقاشی فرصت الدوله شیرازی نیز کاملاً کتیبه‌ها بر فراز درگاه‌ها و بال‌گاو‌ها قابل مشاهده است.

سخن پایانی

جناب پورپیرار «جعلی بودن کتیبه‌های دروازه ملل» را دلیلی قرار داده برای جعلی خواندن کل کتیبه‌های تخت جمشید اما نادرستی گفته‌های پورپیرار آشکار است و تردیدی نیست که علاوه بر کتیبه‌های دروازه ملل، تمام کتیبه‌های تخت جمشید درست و تاریخی هستند.

«این کشور را اهورامزدا از دشمن، از خشکسالی و از دروغ محفوظ دارد»

(کتیبه DPd، داریوش بزرگ)

شناسنامه نوشتار:

شهرکی، کوروش (۹ آذر ۱۳۹۵). «آیا کتیبه‌های تخت جمشید جعلی هستند؟». پایگاه خردگان. نشانی رایاتاری:

<http://kheradgan.ir/?p=15102>

WWW.KHERADGAN.IR

بن‌مایه‌ها و یاری‌نامه‌ها:

اسلامی، طاهره (بهار ۱۳۹۲) «بررسی سفرنامه اروپاییان در دوره صفویه و زندیه، با رویکرد تحلیل نقش‌ها و طرح‌های دروازه ملل تخت جمشید»، فصل‌نامه علمی نقش‌مایه.

تجویدی، اکبر (۱۳۵۵). *دانستنی‌های نوین درباره هنر و باستان‌شناسی عصر هخامنشی بر بنیاد کاوش‌های پنج ساله تخت جمشید (سال‌های ۲۵۲۷ تا ۲۵۳۲ شاهنشاهی)*. انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.

طالبیان، عبدالحسین (۱۳۹۳). *تخت جمشید در تاریخ معاصر*. شیراز: انتشارات نوید شیراز.

فلاندن، اوژن (۱۳۵۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. ترجمه حسین نور صادقی. انتشارات اشراقی.

فرصت الحسینی شیرازی، محمد نصیر (۱۳۱۲-۱۳۱۳) *آثار عجم*. باهتمام عبدالله طهرانی، چاپ بمبئی.

نیبور، کارستن (۱۳۹۰). *سفرنامه کارستن نیبور*. ترجمه پرویز رجبی. انتشارات ایران شناسی.

پورپیرار، ناصر (۲۵ مرداد ماه ۱۳۸۹). «ایران شناسی بدون دروغ، ۲۷۷، نتیجه ۸۵، درباره کتیبه های تخت جمشید». نارنیا.

نشانی رایاتاری: <http://www.naria.info/view/1.aspx?id=674>

پورپیرار، ناصر (۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۶). «ایران شناسی بدون دروغ، ۵۷». نارنیا، نشانی رایاتاری:

<http://www.naria.info/view/1.aspx?id=209>

مادام دیولافوآ (۱۳۶۱). سفرنامه دیولافوآ. ترجمه فره وش. چاپخانه سعدی. ناشر کتابخانه خیام

سامی، علی (۱۳۹۲). تمدن هخامنشی. جلد اول. انتشارات سمت

Bruins.cornelis de, Reizen over Moskovie, Door Persie En Indie, Amsterdam, 1714

با سپاس از سایت موسسه collections search center

<http://collections.si.edu/search>

با سپاس از سایت ANCESTRY IMAGES

<http://www.ancestryimages.com>

با سپاس از سایت BRITISH LIBRARY

<https://www.bl.uk/picturing-places/articles/painting-persepolis>



WWW.KHERADGAN.IR

پایگاه خردگان

تاریخ و فرهنگ ایران زمین

KHERADGAN.IR